

## عبدالرفیع حقیقت (رفیع)

## نهضت‌های ملی ایران

(۱۶)

## مرک صالح بن نصر در زندان یعقوب لیث

مؤلف تاریخ سیستان پایان جنگ مهم و قابل توجه یعقوب لیث با رتبیل شاه کابلی و صالح بن نصر را چنین بیان داشته است (۱) : (یعقوب و یاران شمشیر اندر نهادند تا بریکجا شش هزار مرد بکشتند و سی هزار مرد اسیر گرفتند و چهار هزار اسب گران بها آن روز بدست آمد. یعقوب را دون اشتر و استر و خر و اسبان پالانی و ترکی و درم و دینار و پیلان، و خیرک را که غلام و حاجب صالح بن نصر بود اسیر گرفتند و همه یاران صالح بز نهار یعقوب آمدند)

در این جنگ برادر رتبیل شاه و همچنین نزدیکان وی که جزو لشکر یان بودند تسلیم یعقوب شدند، اموال و خزاین بسیار از جمله تخت سیمین رتبیل که بدست یعقوب افتاده بود به وسیله کشتی به سیستان حمل گردید میزان اموال مذکور را بظرفیت دویست و چند کشتی کوچک که در آن موقع بر روی آبهای هیرمند در رفت و آمد بودند تخمین زده اند (۲) یعقوب از بردن پیل‌های سپاه رتبیل به سیستان خودداری کرد و گفت (مرا پیل نبایند که ایشان همایون نباشند که ایزد تعالی ابرهه را به پیل یاد کرد) در واقع یعقوب درست فکر کرده بود زیرا نگاهداری فیل‌ها برای او دردسر و ناراحتی فراهم می‌کرد و در سفرهای طولانی نیز امکان استفاده از آنها نبود. یعقوب پس از یکسره کردن کار رتبیل شاه بجستجوی صالح بن نصر پرداخت ولی صالح چون وضع جنگ را بدان

۱ - تاریخ سیستان صفحه ۲۰۵

۲ - تاریخ سیستان صفحه ۲۰۶

منوال دید قبل از اینکه در دست یعقوب اسیر شود .

همراه پنج تن از یاران خود پا بفرارنهاره از میدان گریخت «هنگامی که یعقوب از فرار صالح بن نصر آگاه شد فوجی از چابک سواران خود را بسرکردگی شاهین پسر روشن به تعقیب وی اعزام داشت ، افراد مذكور پس از جستجوی بسیار سرانجام صالح بن نصر را در زیر پلی در حدود (والشان) یا (والستان) که در بین مکران و سیستان و غزنه واقع است یافتند و او را دستگیر نموده نزد یعقوب آوردند ، یعقوب صالح بن نصر و بقیه دستگیرشدگان را به سیستان آورد و صالح بن حجر را که پسر عموی رتبیل شاه بود به ولایت رخد فرستاد .

بطوریکه در تاریخ سیستان ثبت شده است صالح بن نصر هفده روز بعد از ورود به سیستان در زندان بدرود حیات گفت و با مرگ وی بزرگترین رقیب و مانع یعقوب لیث از میان برداشته شد (محرم سال ۲۵۱ هجری)

### یعقوب لیث عمار خارجی را نیز از سر راه خود برداشت

یعقوب لیث فرمانروای مقتدر سیستان پس از پیروزی در جنگ مهم رخد که منجر به شکست و کشته شدن رتبیل شاه و صالح بن نصر گردید فقط عمار خارجی پیشوای خوارج سیستان را در داخل آن سرزمین مقابل خود میدید بهمین جهت قبل از توجه به خارج از مرز سیستان لازم دانست که عمار خارجی را نیز از سر راه خود بردارد و سپس با خیالی آسوده به گسترش میدان متصرفات خود مشغول شود «ابتدا نامه ای به به خلف بن لیث که در گذشته امیری بست برعهده وی بودنوش و او را برای تصدی کار حکومت زرنج بدانجا فراخواند ، خلف پس از دریافت نامه یعقوب به زرنج آمد و یعقوب لیث او را بنمایندگی از طرف خود در آنجا برگزید و با سپاه خود بجنگ عمار خارجی رفت ، عمار خارجی که در آن هنگام سپاه خود را برای حمله به یعقوب جمع و جور می کرد در محلی بنام (نیشک) از آبادیهای سیستان دچار حمله ناگهانی

یعقوب و یارانش شد و در نتیجه عده‌ای از افراد سپاه عمار کشته و گروهی هزیمت یافتند و خود عمار نیز بقتل رسید (جمادی‌الآخر سال ۲۵۱ هجری)

یعقوب لیث دستور داد نعل عمار را به شهر زرنج آوردند و سر او را بالای دروازه (طعام) روی کنگره برج نهادند و بیسگر او را در بالا دروازه (آکار) وارونه آویزان کردند با این ترتیب بعد از کشته شدن عمار خارجی کار قدرت خوارج نیز در سیستان پایان یافت، مؤلف تاریخ سیستان نوشته است که بعد از این واقعه: (خوارج همه دل شکسته شدند و به کوه‌های سزار رفتند و بدره هند قانان) (۱)

### جنگ یعقوب با گردن‌کشی ناشناخته شده در سیستان

نویسنده تاریخ پرارزش سیستان بعد از بیان واقعه اختلاف مستعین و معتز در بغداد و اعلام خبر بیعت مردم به خلیفه معتز می‌نویسد (۲): در اول محرم سال ۲۵۲ در نواحی فرام و کوئین (کوبین) شخصی بیرون آمد و قیام کرد نام این شخص در متن تاریخ سیستان از قلم افتاده است و مصحح کتاب مذکور شادروان ملک‌الشعراى بهار در حاشیه نوشته است که محققاً در اینجا نام شخصی از قلم افتاده و با تفحصی که بعمل آورده در سایر تواریخ نیز موفق نشده است نام شخص مورد بحث را تعیین نماید.

بموجب نوشته تاریخ سیستان یعقوب بچنگک وی رفت و او را دستگیر نموده بقتل رسانید « و سرش را به شهر فرستاد (شعبان سال ۲۵۲ هجری)

### جنگ یعقوب با صالح بن حجر

یعقوب لیث مدتی در سیستان بجمع‌آوری سپاه و تنظیم امور پرداخت تا اینکه خبر رسید صالح بن حجر در رخد بر ضدوی برخاسته است یعقوب بمجرد شنیدن این خبر بقصد جنگ با صالح بن حجر عازم آن سامان گردید و عزیز بن عبدالله را از طرف خود در

۱ - تاریخ سیستان صفحه ۲۰۷

۲ - تاریخ سیستان صفحه ۲۰۷

سیستان گمارد (ذی‌الحجه سال ۲۵۲ هجری) صالح بن حجر قلعه کوهز (کوهتیز) را حصار گرفته بود و از حرکت یعقوب بدان سو خبر نداشت.

یعقوب پس از ورود بآن سرزمین بی‌خبر و ناگهانی قلعه مذکور را محاصره کرد صالح بن حجر پس از آگاهی از این موضوع به تدارک جنگ پرداخت و چند نوبت جنگ بین آنان اتفاق افتاد سرانجام صالح بن حجر در محاصره و تنگنای سختی واقع شد، مؤلف تاریخ سیستان نوشته است (۱) و قتیکه صالح بن حجر مطمئن شد که یعقوب از تسخیر قلعه و دست یافتن منصرف نمی‌شود خویشتن را گشت (خودکشی نمود) و سربازانش پیکر بی‌جان او را از بالای قلعه بزرانداختند و سپس قلعه را تسلیم نموده و خود بزهار آمدند ولی بنظر می‌رسد که سربازان صالح بن حجر در اثر استیصال و بعنوان تعرض به مقاومت بی‌ثمر وی و خاتمه دادن بکار محاصره قلعه و رهائی خود از آن تنگنا او را بقتل رسانیده و جسدش را برای جلب رضایت و اطمینان یعقوب از قلعه بزریر انداخته باشند پس از این واقعه نعش صالح بن حجر را به بست آوردند و در آنجا بخاک سپردند « یعقوب لیث نماینده‌ای از طرف خود در آن قلعه گمارد و به سیستان مراجعت کرد (جمادالاول سال ۲۵۳ هجری) یعقوب لیث فرمانروای مقتدر سیستان پس از فتح مذکور نمایندگانی از طرف خود تعیین و بمنظور حکمرانی به سرزمینهای والشان (والستان) و داور و بست فرستاد (۲) در همین هنگام حکومت یعقوب از طرف همسایگان اطراف به رسمیت شناخته شد و اغلب از راه تسلیم درآمدند و هدایائی بجانب یعقوب گسیل داشتند از جمله حکام: (مولتان) و (طبسین) و (زابستان) و (سند) و (مکران) همه تسلیم شده هدایائی فرستادند (۳)

۱ - تاریخ سیستان صفحه ۲۰۸

۲ - تاریخ سیستان صفحه ۲۰۸

۳ - یعقوب لیث تألیف دکتر باستانی پاریزی نقل ازوفیات‌الاعیان ج ۵

### یعقوب عازم تسخیر هرات گردید

یعقوب لیث صفار پس از سرکوبی مخالفان داخلی خود و رهاثی از اغتشاشات حوزه متصرفات خود به تنظیم امور سیستان و تجهیزات سپاه پرداخت نقشه‌های بسیار وسیع و قابل ستایشی برای کسب استقلال تمامی ایران داشت و منظور او تنها حکومت بربک ایالت یا بیشتر نبود آرزوئی غیر از برقراری یک حکومت مستقل ملی در ایران هم‌راه با جلوه‌های خاص آریائی آن در دل نمی‌پروراند « و در راه اجرایی این هدف مقدس ملی کوچکترین درنگ و مسامحه روا نمی‌داشت بهمین جهت پس از سپری شدن دو ماه از آرامش کلی در سراسر سیستان عازم تسخیر شهر هرات گردید (شعبان سال ۲۵۳ هجری) یکی از جوانمردان سیستان را بنام دود بن عبدالله بنماینده‌گی از طرف خود در سیستان تعیین کرد .

در این هنگام هرات جزو متصرفات دولت طاهریان بود و شخصی بنام حسین بن- عبدالله بن طاهر در آنجا حکومت می‌کرد هرات شهری بزرگ بود و ارگ بسیار مستحکمی داشت و خود شهر نیز در دامان کوه بنا شده و در نواحی شمال سیستان قرار داشت و راه آن از فراز و سبزار می‌گذشت «رود هرات (هری رود) از وسط این شهر عبور می‌نمود» فاصله از سیستان تا هرات هشتاد فرسنگ و راه بطور کلی ریگزار بود (۱)

### فتح هرات بدست یعقوب لیث

پس از ورود یعقوب بن لیث صفار بنواحی هرات حسین بن عبدالله حاکم آن شهر دستور داد دروازه‌های شهر را محکم کردند تا مانع ورود افراد سپاه یعقوب گردد یعقوب شهر هرات را محاصره کرد محاصره این شهر مدتی بطول انجامید بین سپاهیان یعقوب و حسین بن- عبدالله چند نوبت جنگ واقع شد. تا اینکه یعقوب موفق شد حصار شهر را بگشاید و حسین بن عبدالله طاهر فرمانروای آنجا را دستگیر نماید .

### جنگ یعقوب با سپهسالار خراسان

خبر سقوط شهر هرات وشکست حسین بن عبدالله حاکم آن شهر بدست یعقوب لیث صفار به ابراهیم الیاس سپهسالار خراسان رسید وی با سپاه زیر فرمان خود بمنظور مقابله وشکست یعقوب لیث بسوی هرات حرکت کرد و در نزدیکیهای هرات در شهری بنام پوشنگ فرود آمد در این هنگام خبر عزیمت ابراهیم بن الیاس با سپاهی بزرگ بسوی هرات به یعقوب لیث که در هرات بسر می برد رسید ، یعقوب با سرعت و سیاستی خاص آماده مقابله با سپهسالار خراسان گردید . ابتدا فرمان آزادی مردم هرات را صادر نمود و آنان را از هر گونه تعقیب و آزار در امان داشت سپس برادر خود علی بن لیث را بنمایندهگی از طرف خود در آن شهر گماشت و عده ای از افراد خطرناک که دستگیر شده و در زندان بسر می بردند و همچنین باروبنه سنکین را که حمل آن مشکل بود در آنجا گذارد و با افراد سپاه خود بمنظور جنگ و مقابله با ابراهیم بن الیاس سپهسالار خراسان عازم پوشنگ گردید .

یعقوب در مقابله با ابراهیم بن الیاس سپهسالار بزرگ خراسان رشادت وشهامت کم نظیری نشان داد و با حمله های سریع خود سپاه بزرگ سپهسالار پر قدرت خراسان را شکست داده و بسیاری از افراد سپاه او را کشت باقیمانده افراد سپاه خراسان باتفاق فرمانده خود با ترس و وحشت عجیب و غیر مورد انکاری از صحنه کارزار گریختند و آشفته و پراکنده بسوی نیشابور پایتخت دولت طاهریان تاختند تا خبر ایسن شکست غیر قابل تصور را به محمد بن طاهر فرمانروای کل مشرق ایران برسانند .

(ناتمام)